

einschlafen در زبان آلمانی

Jeden Abend neben seinem Lieblingsmenschen einzuschlafen, gehört zu den schönsten Dingen der Welt

جز قشنگ ترین و زیباترین چیزهای جهان است، هر شب را کنار عزیزانت بخواب برود

سوال گرامری : چرا فعل einschlafen در اینجا شده einzuschlafen □

برای پاسخ به این سوال ، درس زیر را مطالعه کنید

[نگاهی به ZU و کاربردهای آن در زبان آلمانی](#)

فعل جداشدنی einschlafen را می توان اینگونه تصویر سازی کرد که یک زمانی را در کنار یک کسی سپری کنیم تا در نهایت به خواب برویم یا خوابمان ببرد.

گذشته ساده : schliefen ein

گذشته کامل : sind eingeschlafen

ناگفته نماند این فعل معنی سر شدن را نیز میدهد ، مثل سر شدن دست یا پا

Mein Bein ist (mir) eingeschlafen

پام خواب رفته

هم میتوان با ضمیر ملکی Dativ بیان کرد و هم می توان بدون mir آنرا گفت

nicht einschlafen können

نتوان خوابیدن

یا دقیق تر اینکه خوابمان نبرد

صفتی که معمولا به همراه این فعل می آید friedlich است

sie ist friedlich eingeschlafen

او (مونث) ساکت و آرام خوابیده است

که در فارسی می گوئیم : او (مونث) معصومانه خوابیده است

حروف اضافه همراه با einschlafen

bei, über

bei همانند تفکر فارسی است که می توان در هنگام کاری یا چیزی خوابمان ببرد.

Beim Lesen einschlafen

هنگام مطالعه خوابمان ببرد

نکته : توجه داشته باشید هرگاه یک فعل به اسم تبدیل شود حرف تعریف آن das می شود، مانند فعل lesen خواندن که اگر به اسم تبدیل شود می شود Das Lesen معنی مطالعه را میدهد. حال اگر به همراه حرف اضافه bei بیاید آنگاه bei dem Lesen تبدیل می شود به beim Lesen درست همانند مثال بالا.

اما حرف اضافه über همانند تفکر ما فارسی زبانان نیست بلکه در تفکر آلمانی ها اینگونه است که ما می توانیم به روی مطالعه کردن نیز خوابمان ببرد

Über dem Lesen einschlafen

تفکر فارسی : در هنگام خواندن آن خوابمان ببرد

تفکر آلمانی : به روی خواندن آن خوابمان ببرد

اصطلاحات و دیگر کاربردهای فعل einschlafen

bei diesem Buch schläft man ein

در هنگام (مطالعه) این کتاب آدم خوابش میبرد

کنایه از این دارد :

Es ist sehr langweilig

آن کتاب خیلی کسالت بار و یکنواخت است

Schlaf nicht ein!

بپا خوابت نبره!

کنایه از این دارد که :

mach nicht so langsam! pass auf!

انقدر آرام انجامش نده! ، توجه کن!

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

zuhören, zumachen, zusammenfassen,

zuschauen, zusehen, zustimmen

سلام دوستان

در درس امروز از سری دروس wann benutzt man Akkusativ und wann Dativ (کی آدم از اکوزاتیو و چه وقت از داتیو استفاده میکنند؟) می خواهیم افعال زیر را با یکدیگر مورد بررسی قرار بدهیم :

zuhören, zumachen, zusammenfassen, zuschauen, zusehen, zustimmen

zuhören

گوش کردن ، گوش دادن ، توجه کردن ، دقت کردن

گذشته ساده : hörten zu

گذشته کامل : haben zugehört

ترکیب در جمله : +D

Hörst du **mir** bitte mal zu?

لطفا به من دقت میکنی؟ لطفا به من گوش میدهی؟

zumachen

بستن , شتافتن ، عجله کردن

گذشته ساده : machten zu

گذشته کامل : haben zugemacht

ترکیب در جمله : +A

Machst du **die Tür** zu, wenn du gehst?

اگر رفتی ، آن درب را می بندی؟

zusammenfassen

ایجاز کردن ، خلاصه کردن ، متنی را فشرده کردن

گذشته ساده : fassten zusammen

گذشته کامل : haben zusammengefasst

ترکیب در جمله : +A

Lasst **uns alle Argumente** zusammenfassen

اجازه بده به ما تمام اسناد و مدارک را خلاصه کنیم

zuschauen

نگاه کردن ، نگریستن ، صبر کردن ، به انتظار اتفاقات بعدی نشستن

گذشته ساده : schauten zu

گذشته کامل : haben zugeschaut

ترکیب در جمله : +D

Warte! Ich will dem Maler zuschauen

صبر کن ، من می خواهم به آن نقاش بنگرم

zusehen

نگریستن ، تماشا کردن , کوشیدن ، کوشش کردن ، سعی کردن

گذشته ساده : sahen zu

گذشته کامل : haben zugesehen

ترکیب در جمله : +D

Ich könnte dir stundenlang zusehen

من می تونم به تو ساعت ها بنگرم

zustimmen

موافقت کردن ، تأیید کردن ، توافق کردن

گذشته ساده : stimmten zu

گذشته کامل : haben zugestimmt

ترکیب در جمله : +D

Der Bundestag hat dem neuen Gesetz zugestimmt

مجلس با آن قانون جدید موافقت کرد

آموزش رایگان زبان آلمانی - مرتضی غلام نژاد